

«ارزش و امتیاز کار معلمی»

با قاطعیت می‌توان گفت که معلمی فراتر از همه کارها و سرآمد همه شغل‌هاست. معلم نیاز به حقوق و تأمین نیازهای زندگی دارد؛ اما هیچگاه به کار مهمش از دریچه مادیات نمی‌نگرد.

* نکته برتر: کار معلم، تعلیم و تربیت است؛ تعلیم و تربیتی که کار خدای تعالی و پیامبران اوست. اساساً عالم با همه پیچیدگی‌ها، تنوعات، زیبایی‌ها، نعمتها و ابتلائاتش برای تربیت انسان خلق شده است. زمین مرکز آموزش و پرورش خداست؛ با پیامبرانی که معلمان آسمانی‌اند و مسئولیت تربیت انسان را بر دوش دارند.

۱. معلمی شغل نیست؛ عبادت است:

* نکته برتر: معلمی یک کار مقدس محسوب می‌شود؛ زیرا عبادتی چند منظوره است.

معلمی، انتقال علم و تجربه انقاز غریق و کلید عزت بصیرت و مصونیت است. معلمی، شغل خدا و جبرئیل است؛ چنانکه می‌خوانیم: «الرَّحْمَنُ عِلْمُ الْقُرْآنِ»؛ «خداوند رحمان، قرآن را تعلیم فرمود. اولین معلم خداوند و دانش آموز او حضرت آدم بوده است. «وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ»

نکات برتر:

در قرآن برای توصیف انبیاء (ع) عبارات متعددی به کار رفته ولی آنچه بیش از همه استفاده شده تعبیر «وَيَعْلَمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ» است که نشان می‌دهد کار پیامبران، تعلیم کتاب و حکمت و تزکیه بوده است. سیزده آیه در قرآن به سؤال‌های مردم از پیامبر اکرم (ص) اختصاص یافته که با کلمه یستلونک همراه است. این نشان می‌دهد که پیامبر (ص) معلم مردم بوده است.

«معلم» واژه‌ای است که بار معنایی خاصی دارد و نباید به آن نگاه عادی نمود. این واژه، همانند برخی از واژه‌های مقدس حامل معانی بلندی است؛ مثلاً «کربلا» نام منطقه‌ای از زمین است، ولی به جای هویت جغرافیایی هویت تاریخی و بار معنایی بالایی دارد ذکر اسم کربلا مفاهیم امامت، شهامت، شهادت، عصمت، ایثار، مقاومت، اخلاص، عبادت، ظلم ستیزی و امثال آن به ذهن افراد می‌آید. تقلیل مفهوم معلمی به یک شغل ساده کوتاه بینی است؛ نظیر اینکه کسی به مرجع تقلید بگوید: ایشان آدم خوبی است. تعبیر «آدم خوب» در وصف یک مرجع تقلید کفایت نمی‌کند.

2. معلمی یک انتخاب صحیح است:

معلم روی انسان‌ها کار می‌کند؛ با روح و قلب و جان انسان سروکار دارد؛ معلم مشغول توزیع علم است؛ اثری که استاد و معلم روی شاگرد می‌گذارند گاهی تا قیامت ادامه پیدا می‌کند.

* نکته برتر: اگرچه تعبیراتی چون «داعی»، «هادی»، «بشیر»، «سراج منیر» و امثال آن نیز درباره پیامبران به کار رفته ولی به مسئولیت «ترکیه» و «تعلیم» که بر دوش آنان بوده به صورت خاص اشاره شده است. تعلیم و تربیت مبارک ترین کاری است که خداوند آن را بر دوش انبیاء و اوصیاء (ع) گذاشته است.

در زمان طاغوت، به سراغ برخی از مبلغین که تعدادشان بسیار اندک بود رفتند و با پرداخت مبالغی آنان را جذب نظام شاهنشاهی کردند آنها از زیر بار شغل شریف معلمی شانه خالی کردند و با حضور در دستگاه فاسد

به دنیا روی آوردند. در آن روز آیت الله العظمی گلپایگانی (ع) فرمود: «اگر طلبه ای به جای تبلیغ و تحصیل دین سراغ دربار رفت و بازوی آنان شد نگوید رفتم؛ بلکه بگوید لیاقت نداشتم و امام زمان (عج) مرا از حوزه بیرون انداخت» این سخن در آن زمان بسیار مهم بود و سبب بیمه شدن دیگر مبلغان در برابر توطئه درباریان شد.

اگر کسی بتواند با تولید و توزیع و مصرف علم به انسان‌ها خدمت کند و به دل‌ها و جان‌ها حیات ببخشد و در مسیر انبیای الهی (ع) گام بردارد اما به سراغ تولید و توزیع و مصرف اجناس دیگر برود، برنده نیست و خسارت کرده است. این خسارت به فراخور شغلی که جای شغل معلمی انتخاب می‌شود، مراتبی دارد؛ چرا که خسارت دارای مراحل و تفاوت‌هایی است.

قرآن کریم درباره اعمال زبان بخش انسان چنین تعبیراتی دارد:

گاهی معامله بدی است. «بئسما اشتروا» (بقره، ۹۰)

گاهی سودی ندارد «فما رَبِحَتْ تِجَارَتُهُمْ» (بقره، ۱۶)

گاهی خسارت است «اشتروا الضَّالَّةَ بِالْهُدَى» (بقره، ۱۷۵)

گاهی غرق در زبان است. «لَفِي خُسْرٍ» (عصر، ۲)

گاهی خسارت بزرگ و آشکار است: «خسراناً مبیناً» (نساء، ۱۱۹)

گاهی خسارت در تمام ابعاد است «بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالاً» (کهف، ۱۰۳)

3. معلمی در نگاه معصومین (ع) جایگاه رفیع دارد:

اهل بیت (ع) از مقام معلمی و ارزش آن تجلیل فراوانی کرده اند. در فرهنگ اسلامی از رهبر آسمانی با تعبیراتی چون معلم مربی یا پدر یاد شده است.

در خصوص جایگاه ممتاز معلمان و ارزش آنان نزد معصومین (ع) روایات فراوانی موجود است. از جمله رسول خدا (ص) فرمودند: «بالاترین صدقات آن است که انسان چیزی را یاد بگیرد و به دیگران بیاموزد.» و فرمودند: راهنمایی کننده به راه خیر مانند انجام دهنده آن است.

همچنین امام باقر (ع) فرمود: تمام جنبندگان زمین و ماهیان دریا و هر موجود کوچک و بزرگی که در زمین و آسمان خداست برای تعلیم دهنده امور نیک استغفار می‌کنند. امامان ما نسبت به معلمان فرزندان‌شان بسیار لطف داشتند و آنها را تشویق می‌کردند. امام حسین (ع) به معلم فرزندش صد دینار هدیه داد و در پاسخ به اعتراض مردم فرمود: «این یقع هذا من عطائه یعنی تعلیمه این مبلغ در قبال تعلیمات او چه ارزشی دارد؟» (کنایه از اینکه ارزش هدیه مادی به پای ارزش تعلیم قرآن نمی‌رسد).

4. تربیت کار خداست:

در قرآن کریم، بعد از نام مبارک «الله» بیشترین نامی که برای خدا به کار رفته «رب» است. ناگفته پیداست که «ربوبیت زمانی کامل است که بر اساس علم حکمت مصلحت و رحمت باشد، که خداوند همه را دارد.

معلم تنها علم خود را منتقل نمی‌کند؛ بلکه می‌تواند همه کمالات را با رفتار و گفتار و اخلاق خود به دیگران منتقل کند؛ آن زمان که شاگرد به یاس گرایش پیدا میکند روح امید را در او بدمد و آن هنگام که شاگرد به غرور گرایش پیدا میکند، او را هشدار دهد. همان گونه که خداوند متعال در مسیر تربیت مردم با منطق و برهان احساس و عاطفه مثال و تشبیه تاریخ و داستان بیان الگوهای مثبت و منفی هنر و اخلاق و نیز وعده و تهدید مردم را تربیت میکند معلم و استاد نیز باید از همه این ابزارها بهره مند باشند هر چه بهره آنها از این ابزار بیشتر باشد، توفیقات آنها نیز بیشتر خواهد شد.

نکات برتر:

اتصال معلم و مربی به خداوند متعال نقش مهمی در انجام مسئولیت آنها که همانا ارشاد و هدایت مردم است دارد؛ لذا از عالم دینی به عالم ربانی تعبیر می‌شود؛ یعنی عالمی که سروکارش با پروردگار است در راه خدا و برای خدا و با اسلوب و اخلاق خدا پسندانه تعلیم می‌دهد از خداوند متعال صفت ربوبیت را می‌گیرد و به دیگران منتقل می‌کند برکات کار آموزشی و فرهنگی منحصر به زمان خاصی نیست اگر هر کالا و محصولی برای صادرات نیاز به وسیله حمل و نقل و صرف هزینه و وقت دارد، معارف و فرهنگ نیز کالایی است که میتوان با زبان و قلم به همه عصرها و نسل‌ها صادر کرد. اگر این عمل برای کسب رضای خدا باشد ماندگار و ابدی خواهد شد.

امام سجاد (ع) در دعای مکارم الاخلاق از خداوند می‌خواهد: «إلهی أنطقنی بالهدی و الهمنی التقوی؛ خدایا زبانم را به هدایت باز کن و تقوا را به من الهام کن» انسانی که به این مقام برسد، خدایی می‌شود و همین که خدایی شد می‌تواند همه امکانات و ابزارها را در مسیر رضای خدا به کار گیرد و انسان‌های خدایی تربیت کند.

5. معلم کار پنج گروه از مهندسان را می‌کند:

ماشینی که سوارش می‌شویم، نتیجه کار پنج گروه از مهندسان است: - مهندسانی که مسئول کشف معدن هستند. - مهندسانی که مسئول استخراج مواد هستند - مهندسانی که مسئول ذوب مواد هستند. مهندسانی که مسئول قطعه سازی و طراحی قطعات ماشین هستند - مهندسانی که مسئول مونتاژ قطعات و نظارت بر آن هستند.

اما یک معلم باید به تنهایی، کار این پنج گروه را روی انسان‌ها انجام دهد: استعدادهای شاگردش را کشف کند. شاگرد را از انحراف‌هایی که به آن گرفتار شده است خارج کند.

با اخلاق و رفتار و محبت شاگرد را به درس علاقه مند کند.

با تدریس و تعلیم و تربیت شاگرد را بسازد.

با سعه صدر تربیت شدگان را به هم متصل کند و جامعه را تشکیل دهد.